



بررسی قلمرو جاسوسی در عملیات روانی از منظر فقه اسلامی

علی مرادی^۱، مرتضی طیبی جبلی*^۲، محمد علی حیدری^۳ و احسان علی اکبری بابوکانی^۴

چکیده

در طول تاریخ، همواره جنگ پدیده‌ای قابل توجه بوده و از ابعاد گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است. در گذشته نگرش حاکمان و سیاستمداران برای پیروزی بر دشمن بیشتر بر پایه جنگ نظامی بوده است، اما در عصر حاضر نگرشی جدید ولی پیچیده و گسترده، تحت عنوان جنگ و عملیات روانی با به‌کارگیری تکنیک‌ها و ابزارهای متفاوت، با مصادیق فراوان از جمله «جاسوسی» در حال شکل‌گیری است. جاسوسی و ضرورت تشخیص مرز بین جرم و جواز آن از مسائل مهمی است که باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد زیرا جاسوسی از نظر فقهی و حقوقی دارای آثار و احکامی است که نمی‌توان بر تمام مصادیق آن حکم حرمت حمل کرد. این نوشتار در پی پاسخ به این سؤالات است که جاسوسی از منظر فقه و حقوق اسلامی دارای چه حد و مرزی است؟ و در چه مواردی امر به حرمت یا وجوب آن شده است؟ پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و تحلیل اسناد، جمع‌آوری گردیده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که در فقه و حقوق اسلامی تجسس در احوال شخصی افراد، حرام و غیراخلاقی می‌باشد اما تجسس از کارگزاران به منظور نظارت بر کار آنان و جاسوسی در امور دشمن خارجی و داخلی برای حفظ نظام اسلامی و امنیت مسلمانان، نه تنها حرام و غیراخلاقی نمی‌باشد بلکه به حکم عقل و شرع، امری واجب و ضروری است.

کلیدواژه‌ها: عملیات روانی، جاسوسی، فقه، حکم.

^۱ گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

^۲ گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول) و

*گروه حقوق، واحد اصفهان، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

^۳ گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

^۴ گروه معارف قرآن و اهل‌البیت، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

طرح مسئله

از آن زمان که جنگ به‌عنوان یک پدیده مورد مطالعه قرار گرفت، عملیات روانی نیز به‌عنوان ابزاری در خدمت جنگ بوده و بدان توجه شده است. جنگ روانی یکی از روش‌های تسلط بر افکار و اندیشه‌ی مردم است و تأثیر آن به‌مراتب از جنگ‌های نظامی بیشتر است. عملیات روانی مفهوم جدیدی نمی‌باشد و در طول تاریخ همواره این تکنیک میان جبهه‌های مختلف حق و باطل استفاده شده است. مطالعه پیشینه تاریخی جنگ، بیانگر آن است که عملیات روانی همزاد با آن است و کمتر جنگی است که در آن از عملیات روانی و مصادیق آن استفاده نشده باشد؛ اما مطلب حائز اهمیت این است که این مفهوم همانند سایر مفاهیم در طول تاریخی، همراه با تغییرات در مقتضیات زمان و مکان، متحول شده و سیر دگرگونی خود را تا به امروز طی کرده است، به‌صورتی که در عصر حاضر، به کمک تکنولوژی پیچیده و دشوار شده است، در حالی که در گذشته ابزار عملیات روانی همچون ادوات جنگی ابتدایی و ساده بود.

جنگ روانی از دیرباز در بین جوامع و اقوام و ملت‌های مختلف اعم از مؤمن و کافر رایج بوده و هر قدرتی سعی در استفاده از آن در مقابله با دشمن داشته است، پس اصل جنگ و نبرد روانی خودبه‌خود ناپسند و مذموم نیست، بلکه اگر در خدمت ظلم و استعمار انسان‌ها قرار گیرد و یا از شیوه‌های غیراخلاقی و غیرانسانی بهره‌گیرد ناپسند و محکوم خواهد شد. رسول گرامی اسلام (ص) در ابتدای بعثت، هدف شدیدترین هجمه‌های روانی و تبلیغاتی کفار در پوشش تهاجمی همه‌جانبه و گسترده قرار گرفتند که در قرآن از آن با عناوینی چون کید و مکر و ... یاد شده است. آن حضرت نیز همواره مبتکر بهترین تاکتیک‌ها و تکنیک‌های عملیات روانی در دو بعد تقویت روحیه رزمندگان اسلام و تضعیف روحیه دشمنان بودند، البته هیچ‌یک از این ابتکارات منافی اصول اخلاقی و انسانی و اسلامی نبودند.

گرچه امروزه تاکتیک‌ها و روش‌های عملیات روانی و مصادیق آن همگام با مطالعات جدید در حال گسترش است اما می‌توان به مواردی از جمله ارعاب، تطمیع، تخدیر، تشجیع، تحریک، تهدید، فریب، تحریف، سانسور خبری، بزرگنمایی مشکلات، تفرقه‌افکنی، تبلیغات، دادن اطلاعات ناقص و ... اشاره نمود. ترور، شایعه، سلاح‌های آتش‌زا و میکروبی، مسموم کردن مناطق مسکونی و ... و البته «جاسوسی» که موضوعی فراگیر و همگانی در بین دولت‌ها و حتی در حوزه اجتماعی و خانواده است نیز از دیگر موارد و مصادیق عملیات روانی است.

از زمانی که انسان وجود داشته، همراه با او جنگ و دفاع از خود در مقابل حملات دشمن نیز وجود داشته است و در راستای پیشبرد اهداف خود با جلوگیری از اقدامات دشمن گاهی از تجسس در امور آن‌ها استفاده می‌کرده، چنان‌که در تاریخ آمده است مصری‌ها چند قرن قبل از میلاد حضرت مسیح (ع) دارای اداره اطلاعات و مخابرات و جاسوسی بوده‌اند (هانی، ۱۹۷۴، ه. ق، ص ۳۳). در حالات اسکندر مقدونی نیز ارباب تواریخ آورده‌اند که او اولین کسی بود که جاسوس و عیونی برای اطلاع از مسائل دشمن گمارد (فلقشندی، ۱۳۳۴ ه. ق، ج ۱، ص ۴۲۹).

در عصر کنونی جاسوسی به‌عنوان یک مسئله پیچیده و مرموز و کار شبکه‌ای گسترده در دستور کار کشورهای استکباری و سلطه‌جو قرار دارد تا از این طریق اقدام به کسب اخبار و اطلاعات از سایر دولت‌ها و ملت‌ها در حوزه‌های مختلف نظامی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... نمایند. فراتر از آن نیز، این موضوع حتی در

حوزه فردی و نظام خانوادگی ورود نموده و بعضاً با انجام برنامه‌های طراحی شده موجب تخریب روان و امنیت جامعه گشته و از این طریق زمینه سلطه و دخالت در امور داخلی ملت‌ها و دولت‌ها را عملیاتی نموده است.

امروزه با توجه به جایگاه بسیار مهم ورود به حریم خصوصی در اعمال نظارت توسط دولت‌ها، شاهد اهمیت دو چندان استخراج اصول و مبانی و تعیین حدود ورود دولت‌ها به حریم خصوصی جهت جلوگیری از سوءاستفاده‌ها هستیم و با تشکیل حکومت اسلامی شیعی پس از چند صد سال برای دستگاه اطلاعات و استخبارات حکومت اسلامی لازم است تا ضوابط جواز و موارد حرمت آن را مورد بررسی قرار داده و ضوابط و محدوده ممنوعیت و حرمت تجسس و مصادیق مباح و جایز آن منضبط و ضابطه‌مند گردد، چه آنکه عدم انضباط این مسائل و بی‌اطلاعی نسبت به آن‌ها پیامدها، آثار و آفات شرعی بسیاری دارد (بگدلی و بابوکانی، ۱۳۹۶، ص ۱۰).

جاسوسی از امور دیگران، یکی از موضوعات مهم اخلاقی در جوامع امروزی است که برخی از افراد به‌منظور کنجکاوی و برخی به‌سبب اقتضای شغلی خویش، ناگزیر از انجام آن هستند. حال این سؤال مطرح است که یک مأمور امنیتی و اطلاعاتی که وظیفه دستیابی به اطلاعات شخصی و اجتماعی در مورد شخصیت‌ها، سازمان‌ها و دولت‌ها را دارد؛ روزنامه‌نگار یا گزارشگر اخبار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یا ورزشی که وظیفه اطلاع‌رسانی در مورد افراد حقیقی و حقوقی مختلف را دارد، مجاز به جاسوسی و کسب خبر در مورد چه اموری از اشخاص و نهادها هستند؟ موارد مجاز و غیرمجاز جاسوسی کدام است؟ و آیا عموماً تجسس و اطلاع از وضعیت افراد و جامعه ضرورت دارد یا خیر؟

در این پژوهش ابتدا به موضوع عملیات روانی و اهداف آن به اجمال و سپس به یکی از مصادیق آن یعنی «جاسوسی» به تفصیل، با ذکر معانی و تعاریف اصطلاحی آن پرداخته شده و سپس موارد مجاز و غیرمجاز این موضوع و نیز احکام آن از نظر فقهی بیان شده است.

۱- عملیات روانی

قدمت به‌کارگیری عملیات روانی به هزاران سال پیش بازمی‌گردد، این قبیل عملیات‌ها در سرتاسر تاریخ و در طیف وسیعی از بحران‌ها و تهدیدها صورت پذیرفته‌اند (ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ص ۴۷). واژه «عملیات روانی» نیز در اوایل سال ۱۹۴۵، توسط کاپیتان «ام. زاچاریاس» در طرح عملیاتی منتسب به تشدید محاصره ژاپن توسط نیروهای دریایی آمریکا به‌کار گرفته شد.

در این دهه ضمن گسترش علاقه نسبت به این پدیده بعد از جنگ، اصطلاح جنگ روانی، به‌واژه جدید عملیات روانی تغییر یافت (بیابان‌نورد، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴)، اما برخلاف نو بودن این واژه، عملیات روانی، عملی همزاد بشر است. داستان فریب حضرت آدم توسط شیطان که در نهایت به اخراج حضرت آدم از بهشت منجر شد را نیز می‌توان اولین مصداق عملیات روانی به حساب آورد (جنیدی، ۱۳۸۹، ص ۴۷) و یا هجمه‌های عملیات روانی علیه حضرت علی (ع) به حدی بود که پس از شهادت آن حضرت در محراب، عده‌ای [مردم شام] با تعجب می‌پرسیدند مگر حضرت علی (ع) نماز می‌خواند که در محراب شهید شده است؟! (متفکر، ۱۳۸۳، ص ۲۵). دشمنان اسلام در موارد و مقاطع مختلف

مقابله با اسلام از این شیوه استفاده می‌کردند. به‌عنوان مثال، در جنگ احد مشرکان برای در هم شکستن روحیه سپاه اسلام به دروغ فریاد سر دادند که پیامبر (ص) کشته شده است (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۱۵۷).

بی‌تردید، تاریخ اسلام پر است از ده‌ها مثال زنده و محکم و بهترین مثال این امر، جنگ صفین است که بین علی بن ابی‌طالب (ع) و معاویه در گرفت و در آن معاویه سعی داشت با شکست دادن علی (ع) از او به‌سبب عزل نزدیکان عثمان از مسئولیت‌هایشان، انتقام بگیرد. پس از درگیری دو لشکر و وقتی که معاویه خود را در آستانه‌ی شکست دید به پیشنهاد «عمرو بن العاص»، که شخصی سیاست و حيله‌گر بود، دستور داد که لشکریان قرآن‌ها را بر سر نیزه کنند و هلله‌کنان و تکبیرگویان، خواستار تحکیم و حل قضیه، از طریقی صلح‌آمیز، شوند. به این صورت، عمرو بن العاص، معاویه را از شکست قطعی نجات داد (نصر، ۱۳۸۱، صص ۵۴-۵۵).

در مقابله با چنین حيله‌هایی، پیامبر گرامی (ص) و ائمه (ع) نیز به بهره‌گیری از ابزار و شیوه‌های جنگ روانی با هدف هدایت انسان‌ها به سوی سعادت پرداخت که به مواردی از آن اشاره می‌شود:

- در شب فتح مکه پیامبر اسلام (ص) دستور دادند لشکریان اسلام آتش فراوانی در ارتفاعات روشن کنند تا روحیه دشمن به تصور اینکه تعداد مسلمانان بسیار زیاد است تضعیف گردد (مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۵۸).

- در غزه خندق پیامبر (ص) فردی را به داخل قوم یهود فرستادند تا آن‌ها را از ادامه جنگ با مسلمانان منصرف سازد (همان: ص ۲۷۶)

۱-۱ تعریف عملیات روانی

عملیات روانی، عملیاتی است که برای انتقال اطلاعات و نشانه‌های برگزیده شده با هدف تأثیرگذاری بر هیجان‌ها، انگیزه‌ها، استدلال عینی مخاطبان خارجی، رفتار دولت‌های بیگانه، سازمان‌ها، گروه‌ها و یکایک افراد طرح‌ریزی می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۹۲ ص ۴۷).

۱-۲ اهداف عملیات روانی

هدف عملیات روانی القای غم، القای یأس و ناامیدی، ایجاد رعب و وحشت، ایجاد بدبینی به نظام و مسئولین، افزایش نگرانی و اضطراب در مردم، ترور شخصیت، ایجاد فضای ناسالم اجتماعی، ایجاد تفرقه در میان مردم، از بین بردن وحدت و یگانگی در بین مردم و... است.

۱-۳ مصادیق عملیات روانی

از گذشته‌های دور تا به امروز ابزارها و تکنیک‌های مورد استفاده در عملیات روانی، فراوان بوده که هر کدام ممکن است تأثیر خاصی بر جامعه داشته باشد. کاربران عملیات روانی با به‌کارگیری به موقع و مناسب یکی از این روش‌ها و یا ترکیبی از آن‌ها می‌کوشند تا باورها، تمایلات و رفتار مخاطبان را در جهت دلخواه تحت تأثیر قرار دهند. مواردی از

جمله ارباب، تطمیع، تخدیر، تشجیع، فریب، تحریف، ترور، شایعه، سلاح‌های آتش‌زا و میکروبی، مسموم کردن مناطق مسکونی و... و نیز «جاسوسی» از مصادیق عملیات روانی است که آن را مورد بررسی تفصیلی قرار خواهیم داد.

۲- جاسوسی

۲-۱ معنای لغوی و اصطلاحی جاسوسی

الف: معنای لغوی جاسوسی

جاسوسی و تجسس از ریشه «جسّ یجسّ» بوده و به معنای حس کردن با دست برای شناسایی چیزی می‌باشد (محقق، ۱۳۶۴، ج ۵، صص ۱۶۶-۱۶۷). تجسس تفتیش از بواطن امور می‌باشد و بیشتر در مورد امور شر به‌کار می‌رود و منظور از جاسوس هم کسی است که صاحب اسرار شر می‌باشد. جاسوس همان عین است که به تجسس از اخبار می‌پردازد (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۸۳).

«تجسس» در لغت به معنای دست زدن، با دست لمس کردن، با دست معاینه کردن، بررسی کردن، جست‌وجو کردن، تحقیق کردن، جاسوسی کردن، کسب خبر و خبرجویی به کار رفته و مجازاً به معنای «نگاه کردن از سر کنجکاو برای شناسایی دیگران» است (آذرنوش، ۱۳۸۶، ص ۸۵؛ الطریحی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۵۷). البته در امور خیر هم از واژه تجسس استفاده می‌شود و در قرآن کریم هم به همین معنا به‌کار برده شده است (انیس، ۱۴۰۸، ص ۱۷۲). برای جاسوس در لغت عرب از سَمَاع هم استفاده می‌شود (یوسف موسی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۳۵). گروهی نیز مانند ابو عبیده گویند: «تجسس» و «تحسس» هر دو به یک معنی هستند و هیچ فرقی با هم ندارند. گروهی دیگر هم گفته‌اند که تجسس، تفتیش کردن از چیز مستور است، اما «تحسس» در امور محسوس به‌کار می‌رود. برخی دیگر از لغویون هم گویند: «تجسس» در امور شرّ و «تحسس» در امور خیر به‌کار می‌رود (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۱۳۷).

ب: تعریف اصطلاحی جاسوسی

جاسوس کسی است که اخبار و اطلاعات کسی یا مؤسسه‌ای و یا کشوری را مخفیانه گرد آورد و به شخص یا مؤسسه و یا کشور دیگری اطلاع دهد (معین، ۱۳۸۳، ص ۳۲۸).

جاسوسی در اصطلاح حقوقی، عبارت از تجسس و گردآوری اطلاعات و اسناد مخفی و طبقه‌بندی شده درباره‌ی امور نظامی یا کسب اطلاع از اوضاع و احوال سیاسی یا اقتصادی مملکت، به قصد دادن آن‌ها به دولت خارجی در مقابل پول یا هر نوع پاداش و اجرت تعریف کرده‌اند (بجنوردی، ۱۳۸۹، ص ۱۹). کلمه جاسوس و تجسس در فقه، اعم از معنایی است که در حقوق به کار می‌رود.

از نظر بعضی از فقها «تجسس» بیشتر در امور پنهانی که معمولاً انسان‌ها راضی به کشف آن نمی‌باشند استعمال می‌شود و جاسوس کسی است که امور پنهانی مردم را بداند. پنهانی‌های مردم بیشتر نقاط ضعف و رفتارهای ناپسند آن‌هاست که آشکار شدن هر یک از آن‌ها موجب کوچکی و پستی آنان می‌شود (سبحانی، ۱۳۷۰، ص ۶۳۸).

در متون و فقه اسلامی معنای اصطلاحی تجسس چندان از مفهوم لغوی آن دور نگشته است، البته در برخی منابع فقهی اهل سنت - که تجسس را تعریف کرده‌اند - مراد از آن تفتیش و جستجوی اخبار مخفی و اطلاعات سری دشمنان به قصد آگاهی یافتن از آن‌ها ذکر شده است.

از مجموع تعاریفی که اهل لغت، فقها، علمای اخلاق و مفسران قرآن در مورد ماهیت تجسس داشته‌اند، می‌توان گفت تجسس تحقیق و تفحص در امور مخفی و پنهان افراد برای کشف لغزش‌ها و وجوه تاریک زندگی آن‌ها است و معمولاً در اموری که ذات و ماهیت آن‌ها مخفی و غیرآشکار است استعمال می‌شود.

۲-۲ تجسس در قرآن

در قرآن کریم این واژه تنها یک بار، به صورت «و لا تجسسوا»، آمده است (حجرات، ۴۹، ۱۲). در این آیه «تجسس» صریحاً تحریم شده است و خداوند متعال فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها خودداری کنید زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است و تجسس (در کارها) نکنید که این کار کراهت و نفرت دارد و تقوای الهی داشته باشید چرا که به تحقیق خداوند متعال بسیار مهربان و توبه‌پذیر است».

مفسران ذیل آیه «و لا تجسسوا» (حجرات: ۱۲) مراد از تجسس را چنین بیان کرده‌اند: «تفتیش اسرار و امور مخفی مؤمنان و در جست‌وجوی عیب‌ها و لغزش‌های مردم بودن (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۱۳۷). تجسس، یعنی نگاه کردن به عیب برادر و پرسیدن از او برای اینکه بدانی آیا این عیب حق است یا باطل (طبری، ۱۴۱۵، ج ۲۶، ص ۱۷۵).

قرطبی نیز درباره معنای آیه شریفه می‌گوید: معنای آیه این است که آنچه از مسلمانان بر شما ظاهر است، بگیری و درباره‌ی اسرار و عورات آن‌ها جست‌وجو نکنید؛ یعنی هیچ‌یک از شما از عیب برادرش بعد از آنکه خداوند آن را پوشانده، فحش و جست‌وجو نکند تا بر او آشکار شود (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ص ۳۳۲).

علاوه بر آیه ۱۲ سوره حجرات که کلمه تجسس آورده شده است، خداوند در آیات دیگری نیز تجسس و تفحص در احوال مردم را صریحاً نهی فرموده است. در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور چنین می‌خوانیم: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید، تا اجازه بگیری و بر اهل آن خانه سلام کنید، این برای شما بهتر است شاید که متذکر شوید. و اگر کسی را در آنجا نیافتید، داخل آن نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفته شد، بازگردید، بازگردید که برای شما بهتر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است».

این آیات تصریح به حرمت و ممنوعیت تجسس از حریم افراد را ندارد، اما در آن‌ها از برخی از لوازم جاسوسی مثل دخول به خانه‌ی دیگران بدون استیذان صاحبان آن‌ها نهی شده است و نهی ظهور در حرمت دارد، پس با توجه به حرمت دخول در منازل دیگران بدون اذن آن‌ها به طریق اولی می‌توان حکم به حرمت تجسس از منازل، عیوب و اعمال دیگران کرد (میرعلی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷). در آیات ۱۸۹ سوره بقره، ۱۹ سوره نور، ۱۲ سوره حجرات و ۹۴ سوره نساء نیز به حرمت جاسوسی از احوال افراد اشاره شده است.

مع الوصف، تجسس در جایی است که تحقیق و تفحص در امور مخفی و پنهان افراد صورت می‌گیرد و به مشاهده امور ظاهر و آشکار افراد که بر کسی پوشیده نیست، اطلاق نمی‌گردد. مطلب جالب در ماهیت تجسس این است که تجسس، تحقیق و تفحص در اموری است که از نظر ماهیت مخفی و پنهان هستند و به عبارت دیگر، هویت

شخصی و فردی دارند که چنانچه دیگران بخواهند از آن باخبر شوند نیاز به اجازه شخصی دارد که از او تجسس می‌شود. پس بنابراین استعمال واژه‌ی تجسس برای تحقیق و جست‌وجو از کارهایی که ماهیتی ظاهری و آشکارا دارند، درست نیست.

نکته مهم در ماهیت و چیستی تجسس این است که تجسس به تفحص در اموری گفته می‌شود که از نظر ماهوی مخفی و پنهان هستند یا به تعبیر دیگر، ماهیت شخصی و فردی دارند که اطلاع غیر از آن، منوط به اجازه شخص مورد تجسس است. پس استفاده از واژه‌ی تجسس برای تحقیق و تفحص از اموری که ماهیت ظاهری و آشکار دارند یا به تعبیر دیگر، ماهیت اجتماعی و جمعی دارند، صحیح نیست.

بنابراین، جست‌وجو و تحقیق از کار ادارات و تشکیلات دولتی و سازمان‌ها اجتماعی و یا تفحص درباره‌ی وظایف اداری افراد و اشخاص، مانند نظارت و بررسی شیوه درس یک مدرس و مربی در کلاس درس، تجسس محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر، تفحص از کارهای اجتماعی، تخصصاً از موضوع تجسس خارج است.

دیگر واژه‌ای که مترادف با «تجسس» است، واژه «تحسس» است. که همانند تجسس، به معنی تفحص و کنجکاوی از اسرار آمده است، البته بعضی بین مفهوم این دو کلمه تفاوت می‌دانند و می‌گویند تجسس، تفحص از باطن کارها است که بیشتر مربوط به کارهای شر است، ولی «تحسس» بیشتر در کارهای خیر کاربرد دارد و جست‌وجو از ظاهر کارهاست که از طریق حواس ظاهری انجام می‌گیرد. همچنین گفته شده تجسس، جست‌وجو برای دیگری و تحسس کاویدن برای خویش است یا اینکه تجسس، تفحص و جست‌وجو از عورات و عیوب مردم است ولی تحسس گوش دادن و شنیدن حدیث قوم است (طریحی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۵۷).

۲-۳ تجسس در روایات

در منابع حدیثی، روایاتی دال بر نهی از ارتکاب فعل جاسوسی و تجسس نقل شده است که در مذمت و قبح جاسوسی و تجسس و نهی از آن تصریح دارند، که به برخی از این روایات اشاره می‌شود. امام صادق (ع) فرمودند: «الجهل فی ثلاث تبدل الاخوان و المنابذه بغیر بیان والتجسس عما لایعنی؛ نادانی در سه چیز است: دوست عوض کردن، مخالفت کردن بدون دلیل و برهان و پرس‌وجو از چیزهای بی‌هوده» (حرانی، ۱۳۸۸، ص ۳۱۷).

امام صادق (ع) در این حدیث صریحاً می‌فرمایند تجسس از چیزی که غرض عقلایی بر آن بار نمی‌باشد مصداق جهل بوده و انجام آن ممضی شارع نمی‌باشد. روایت مذکور تنها در یکی از کتاب‌های شیعه ذکر شده که متأسفانه مرسل و ضعیف است و سایر مراجع از جمله بحارالانوار به نقل از این منبع آن را ذکر نموده است.

حدیث دیگری که در این مجموعه می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد حدیث مرسل و ضعیف زیر از منابع اهل تسنن می‌باشد: «ایاکم والظن فان الظن الکذب الحدیث ولا تحسسوا ولا تجسسوا؛ شما را از سوءظن، برحذر می‌دارم. به درستی سوءظن دروغ‌ترین کلام‌هاست. تحسس و تجسس (از همدیگر) نکنید» (نیشابوری، ۱۹۸۰م، ج ۳، ص ۲۷) (محمدی‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۷۲۸).

این حدیث، علاوه بر اینکه از تجسس و تفتیش در امور باطنی و پنهانی مردم نهی نموده است، بلکه مردم را از «تجسس» (با حاء)، یعنی از گوش دادن به سخنان دیگران در مورد امور ظاهری افراد نهی نموده است. این روایت گرچه صریحاً حکم حرمت را بیان می‌نماید لکن تنها در مصادر اهل تسنن ذکر شده است و می‌توان آن را قرینه‌ای بر حکم مستفاد از آیات دانست.

روایتی دیگر که در این دسته می‌توان بدان استناد کرده و تحریم تجسس از حوزه خصوصی افراد را از آن برداشت نمود عبارت است از: «ثلاثه یعدّون یوم القیامه... المستمع الی حدیث قوم و هم له کارهون؛ سه گروه در روز قیامت عذاب می‌شوند. گروهی که به سخنان دیگران گوش می‌دهند در حالی که آنان از این کار کراهت دارند (ناراضی هستند)» (حویزی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۹۳).

در این حدیث شریف یکی از راه‌های تجسس یعنی استماع به اقوال دیگران نهی شده است و دلالت دارد بر اینکه دخالت در حیطه‌ی شخصی افراد نه تنها مذموم خود آنهاست بلکه خداوند متعال نیز آن را مذموم می‌شمارد زیرا در صدر حدیث فاعل آن را معذب در روز قیامت می‌داند.

دیگر روایت مروی از معصوم (ع) که دال بر تحریم تجسس حوزه‌ی خصوصی افراد است این روایت است: «انی لم اومر ان اشق عن قلوب الناس ولا اشق بطونهم؛ من مأمور به تحقیق اسرار و تفتیش در مورد عقیده‌ها و نیات مردم و حب و بغض آنان نیستم بلکه به ظاهر حال آنان اکتفا می‌نمایم (یعنی تفتیش از اعمال و اقوال و عقاید پنهانی مردم بر خود لازم نمی‌دانم)» (محمدی ری شهری، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۲). با توجه به این روایت مکلفین دیگر نیز جواز ورود به حیطه‌ی خصوصی افراد را نداشته و باید به ظاهر حال دیگران اکتفا کنند.

همچنین در حدیثی از رسول خدا (ص) از گوش دادن به مکالمات شخصی افراد به‌عنوان مصداقی از تجسس منع شده است: «کسی که به سخن و مکالمات افراد گوش می‌کند در حالی که آنها از اینکه کسی به گفته آنها گوش دهد کراهت دارند، روز قیامت در گوش او سرب گذاخته ریخته می‌شود» (حویزی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۹۳) در احادیث شیعه و اهل سنت نیز تجسس و تفتیش در امور خصوصی و پنهانی مؤمن، سخت نکوهش شده است (ابن حنبل، ۱۴۱۶، ص ۲۸۷؛ ابوداود، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۲۸۱).

۲-۴ اجماع

صاحب مسالک مدعی است که حرمت تجسس اجماعی است (کاظمی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۴۹). میرزا علی احمدی میانجی نیز حرمت تجسس را مسئله‌ای اجماعی می‌داند و قائل است همه‌ی مسلمانان آن را حرام می‌دانند (احمدی میانجی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰).

سیره صحابی‌ان بزرگ هم آن بوده که تنها در صورت بروز و آشکار شدن منکر، گناهکار را مجازات می‌کردند و برای کشف منکر تجسس نمی‌نمودند. حاکم اسلامی نه تنها از تفتیش بدون دلیل نهی شده، بلکه بر پایه گمان و تردید هم نمی‌تواند به تفحص و تجسس بپردازد. بنا بر حدیثی از پیامبر اکرم (ص)، این امر موجب فاسد شدن مردم می‌شود (ابوداود، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۲۷۲).

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در عهدنامه مالک اشتر به وی توصیه فرمود که در عیوب مردم که بر وی پوشیده است، کنجکاوی نکند و تا حد ممکن خطابخش و جرم‌پوش باشد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). از دیدگاه فقهی، حاکم تنها وظیفه دارد که در صورت ثابت شدن گناهان مرتبط با حق‌الله، نسبت به آن‌ها حد جاری کند و اجرای حدود مربوط به حق‌الناس نیاز به درخواست صاحب حق دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۵۷).

۲-۵ انواع تجسس و تبیین حکم تجسس و جاسوسی

سه نوع تجسس با احکام جداگانه را می‌توان از هم بازشناخت: تجسس امور شخصی، امور اجتماعی و فعالیت‌های دشمن.

۲-۵-۱ تجسس در امور شخصی

منظور از امور شخصی، آن نوع کارها و اعمالی است که مربوط به شخص و حوزه خانوادگی فرد است نه کارها و اعمالی که جنبه اجتماعی و یا سیاسی دارد. در اجتماعات و جوامع بشری گرچه هر فرد عضوی از جامعه محسوب می‌شود، اما در عین حال برای خود حریم شخصی دارد که با توجه به مناسبات فردی به او و یا خانواده‌اش مرتبط است و از این جهت چنانچه دیگران از حوزه شخصی و حریم خصوصی او اطلاع یابند، رضایت نداشته و انجام این کار برایش ناخوشایند است.

فقهها در بحث امر به معروف و نهی از منکر، مصادیقی از تجسس در امور شخصی افراد را چنین بیان کرده‌اند:

۱. استراق سمع و گوش ایستادن (مثلاً برای تشخیص غناء بودن آهنگی)؛
۲. استشمام (مثل استشمام دهان شخصی برای کشف شرب خمر)؛
۳. طلب بازرسی از لباس‌ها و آنچه در زیر لباس مخفی کرده است؛
۴. تجسس از اسرار و امور پنهانی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ص ۲۰۱).

مواردی از تجسس عمرین خطاب در منابع شیعی و اهل سنت، آمده است که در اینجا برای شناخت موارد و مصادیق تجسس حرام، آن را ذکر می‌کنیم.

الف: در منابع اسلامی نقل شده است که عمر شبی از کوچه‌ای گذشت و ناگهان صدای مرد و زنی از خانه‌ای به گوشش رسید. او از روی دیوار خانه بالا رفت و مردی را به همراه زنی شراب به دست در داخل حیاط خانه دید. عمر به مرد گفت: ای دشمن خدا! فکر می‌کنی خدا تو را در حالی که معصیت می‌کنی پنهان نگه می‌دارد؟! مرد به عمر گفت: ای امیرمؤمنان! اگر من یک اشتباه مرتکب شدم، تو سه اشتباه مرتکب شدی. خداوند فرموده: «و لا تجسسوا»، ولی تو تجسس کردی و گفته: «أتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» و تو از دیوار آمدی و فرموده است «إِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا» و تو سلام نکردی (قمی شیرازی، ۱۴۱۸ق، ص ۵۴۹).

ب. ابی‌قلابه نقل می‌کند که به عمر خبر دادند که ابومحجن ثقفی با یارانش در خانه به شرب خمر مشغولند. عمر به سوی خانه او رفت و وارد خانه او شد، اما در خانه او جز یک مرد کسی نبود، ابومحجن به او گفت: ای امیرمؤمنان! این کار بر تو حلال نیست و خداوند از تجسس نهی کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۰، ص ۶۶۲).

ج: نقل شده که روزی عمر یکی از یاران خود را در جمع ندید. به ابن عوف گفت: با ما بیا تا به منزل او برویم. وقتی به منزل او رسیدند، در خانه باز بود. و آن مرد با زنش نشسته بود و زنش در ظرفی برایش نوشیدنی آورده بود. عمر به ابن عوف گفت: این کار او را به خود مشغول کرده بود و ما را ندید. ابن عوف به عمر گفت: فکر می‌کنی چه چیزی در ظرف است؟ عمر گفت: آیا این کار تجسس نیست. ابن عوف گفت: حتماً (این کار) تجسس است (سیوطی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۹۳).

۲-۵-۲ حکم فقهی تجسس در امور شخصی دیگران

خداوند متعال در سوره حجرات آیه ۱۲ صریحاً تجسس را تحریم کرده و این‌گونه می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها اجتناب کنید زیرا بعضی از ظن‌ها گناه است و تجسّسی نکنید البته کراهت و نفرت دارد و تقوای الهی پیشه کنید چه آنکه خداوند متعال تحقیقاً بسیار توبه‌پذیر و مهربان است».

جاسوسی مسلمانی علیه مسلمانان، حرام و موجب ثبوت تعزیر است، هر چند امام (ع) می‌تواند او را عفو کند (ابن براج، ۱۴۱۱ق، ص ۵۱؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۰۵).

نصربن محمد در تفسیر «لاتجسسوا» می‌گوید: از عیوب برادران دینی خود بحث نکنید (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۳۲۸). ابن ابی حاتم نیز به پیروی از ابن عباس مراد از تجسس را دنبال عیوب برادران دینی و ایمانی رفتن می‌داند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۲۳۰۵). وهبه زحیلی هم در تفسیر خود تجسس را به معنای بحث از عیوب مسلمین و کشف آنچه می‌پوشانند و اطلاع از اسرار مسلمین می‌داند (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۶، ص ۲۵۵).

۲-۵-۳ نهی از تجسس در احوال مردم

سؤالی که در بدو امر باید از تفاسیر مفسرین و علما برداشت کرد این است که منظور از نهی تجسس در آیه ۱۲ سوره حجرات چیست؟

مرحوم علامه طباطبایی تجسس را به معنای پیگیری و تفحص از اموری می‌داند که مردم عنایت دارند پنهان بماند و فرد آن‌ها را پیگیری کند تا خبردار شود (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱۸، ص ۴۸۴). مرحوم طبرسی نیز از آنجایی که تجسس را ناظر به امور شرعی می‌داند نهی از تجسس را ناظر به عیوب مسلمانان تفسیر می‌نماید (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۱۳۷) و لذا مرحوم طبرسی آیه را این‌گونه معنا می‌نماید: «دنبال عیوب مسلمانان نگردید و در این مقام برنیابید که اموری را که صاحبانش می‌خواهند پوشیده باشد شما آن‌ها را فاش کنید».

میرسیدعلی حائری می‌گوید: «لاتجسسوا» به معنای این است که دنبال لغزش‌های مؤمنان نروید و از عیوب مسلمین که آن‌ها را پوشانیده‌اند بحث نکنید (حائری تهرانی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۲۰۰). این تفسیر همان بیان ابن عباس و قتاده و مجاهد می‌باشد (طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۳، ص ۲۱۹).

نصربن محمد در تفسیر «لاتجسسوا» می‌گوید: یعنی از عیوب برادران دینی خود بحث نکنید (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۳۲۸).

ابن ابی حاتم نیز به پیروی از ابن عباس مراد از تجسس را دنبال عیوب برادران دینی و ایمانی رفتن می‌داند (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۲۳۰۵).

وهبه زحیلی هم در تفسیر خود تجسس را به معنای بحث از عیوب مسلمین و کشف آنچه می‌پوشانند و اطلاع از اسرار مسلمین می‌داند (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۶، ص ۲۵۵).

امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید، در روایتی از رسول اکرم (ص) نقل شده است که آن حضرت فرموده‌اند: ای کسانی که با زبان، اسلام آورده، ولی ایمان در قلب‌هایتان پابرجا نشده است! مسلمانان را مذمت نکنید و در پی عیوب و امور پنهانیشان نباشید، پس هر کس امور پنهانی مسلمانان را پیگیری کند و آشکار سازد، خداوند امور پنهان و زشتی‌های او را آشکار خواهد ساخت، و هر کسی که خداوند امور پنهانی او را آشکار سازد رسوایش می‌کند، هرچند کار زشت را در گوشه منزلش انجام داده باشد (کلینی ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۵).

حاکم اسلامی نه تنها از تفتیش بدون دلیل نهی شده، بلکه بر پایه گمان و تردید هم نمی‌تواند به تفحص و تجسس بپردازد. بنا بر حدیثی از پیامبر اکرم (ص)، این امر موجب فاسد شدن مردم می‌شود (ابوداؤد، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۲۷۲). امیرمؤمنان (ع) در عهدنامه مالک اشتر به وی توصیه فرمود که در عیوب مردم که بر وی پوشیده است، کنجکاوی نکند و تا حد ممکن خطابخش و جرم‌پوش باشد (فیض، ۱۳۷۹، نامه ۵۳).

فقها به استناد آیه دوازدهم سوره حجرات و احادیث متعدد، تجسس را حرام می‌دانند. همچنین تفتیش از عقاید و اسرار و خطاهای مؤمنان و نیز افشا و آشکار کردن آن‌ها، با استناد به آیات قرآن، از جمله آیه نوزدهم سوره نور، حرام است (سبحانی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۵۴۰). این حکم شامل تجسس در زندگی شخصی و خانوادگی افراد نیز می‌شود. بر اساس برخی آیات، از جمله آیه ۱۸۹ سوره بقره و آیه ۲۷ سوره نور، ورود مخفیانه و بدون اجازه به حریم خانه دیگری، ممنوع است و بر پایه آرای فقهی، هرکس می‌تواند به هر شکل ممکن با متجاوز به این حریم مقابله کند. از نظر فقهای شیعه و اهل سنت، هرگاه کسی در پی تجسس از درون منزل مؤمن برآید، صاحب منزل حق دارد وی را از این کار بازدارد و اگر تجسس کننده کار خود را ادامه دهد، صاحبخانه مجاز است با پرتاب سنگریزه وی را از این کار منع کند. به نظر بسیاری از فقها، اگر این کار منجر به جراحت و حتی مرگ این شخص شود، صاحب خانه ضامن نیست (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۵۹؛ نجفی، ۱۴۰۰، ج ۴۱، ص ۶۶۰).

۲-۵-۴ دلایل روایی عدم جواز تجسس در امور شخصی دیگران

امام علی (ع) در نامه‌ی خود به مالک اشتر می‌نویسد: دورترین و کم‌اجرترین افراد نزد تو باید کسانی باشند که نسبت به پی‌جویی، کشف و پخش عیوب مردم اقدام می‌کنند. همانا در مردم عیوب و لغزش‌هایی است که حاکم در پوشاندن آن‌ها از همه سزاوارتر است. پس عیوبی را که از تو مخفی است مکشوف نکن. همانا وظیفه تو تطهیر جامعه از عیوب و لغزش‌های آشکار است. در مورد لغزش‌های پنهانی، خداوند خود داوری خواهد کرد (فیض، ۱۳۷۹، نامه ۵۳).

همچنین در حدیثی از رسول خدا (ص) از گوش دادن به مکالمات شخصی افراد به عنوان مصداقی از تجسس منع شده است: «کسی که به سخن و مکالمات افراد گوش می‌کند در حالی که آن‌ها از اینکه کسی به گفته آن‌ها گوش دهد کراهت دارند، روز قیامت در گوش او سرب گذاخته ریخته می‌شود» (حویزی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۹۳).

تجسس در امور مسلمانان برای امر به معروف و نهی از منکر، حتی در موارد شک درباره انجام منکر، جایز نیست. نه تنها برای آمرین به معروف، بلکه برای مأموران انتظامی نیز تجسس از محرمانی که در سطح جامعه ظاهر و آشکار نیست، جایز نیست (شروانی، بی تا، ج ۹ ص ۲۱۹؛ محمد شربینی، ۱۹۵۸م، ج ۴ ص ۲۱۱).

۲-۶ تجسس در امور اجتماعی

تجسس در امور اجتماعی، نوع دیگری از انواع تجسس است. منظور از امور اجتماعی، رابطه افراد با سایر افراد جامعه تحت عناوین اجتماعی همچون مدیر، کارمند، کارفرما، کارگر، استاد، دانشجو، فروشنده و... است. امور اجتماعی شامل اموری است مربوط به ادارات، نهادها، مشاغل، سازمان‌ها، اصناف و هر مجموعه‌ای که دارای شأن و منزلت و جایگاه اجتماعی دارد. منظور از این نوع تجسس، اطلاع یافتن از عملکرد اجتماعی افراد، ادارات، نهادها و سازمان‌هایی است که بر اساس برنامه‌ها و شرح وظایف ذاتی دستگاه راه‌کارهایی برای بهبود امور اجتماعی افراد ارائه دهد و از فعالیت‌هایی که مفسد اجتماع است جلوگیری نماید.

بعضی از فقها حکم به حرمت تجسس داده‌اند و البته مواردی از آن به شرح زیر استثنا نموده‌اند از جمله:

۱. کنترل و تحت نظر داشتن کارکنان، کارگزاران و مسئولین اداری و تفحص و تجسس از کار آنان به منظور اینکه آیا آنان در انجام کارهای خود امانتدار و مسئولیت‌پذیرند یا خیر؟
۲. مراقبت و تحت نظر گرفتن فعالیت‌ها و تحرکات نظامی دشمنان؛
۳. مراقبت، کنترل و تحت نظر گرفتن فعالیت‌ها و تحرکات مخالفان نظام، منافقان، معاندین و... .
۴. اطلاع و کسب خبر از وضعیت و احوال مردم به منظور آگاهی از خواسته‌ها و نارسایی‌های آنان و رسیدگی به شکایت‌های که ممکن است داشته باشند.

همان‌طور که بیان شد «تجسس» اصطلاحی است که استعمال آن بیشتر در مورد کشف امور مخفی و پنهانی است، لذا به نظر می‌رسد تجسس در امور اجتماعی، از اقسام تجسس نباشد و اصطلاح درست در مورد آن، «بازرسی» یا «نظارت» باشد، زیرا ماهیت کار کارکنان و ادارات، امور پنهانی نیست و عموماً شأن آن‌ها اجتماعی و در ارتباط با دیگران است.

۲-۶-۱ حکم اخلاقی تجسس در امور اجتماعی

یکی از مهم‌ترین وظایف حکومت‌ها، برقراری عدالت اجتماعی است. برای تحقق این هدف، اطلاع از کار و نظارت بر فعالیت مسئولان و کارگزاران حکومتی لازم است تا بدین صورت اطمینان از انجام وظایف محوله آنان حاصل گردد و از ظلم و فساد اداری جلوگیری شود و موجب تضییع حق از مردم نگردد. دلایل روایی زیادی بر جواز یا وجوب این کار، وجود دارد. بنا بر حدیثی از امام رضا (ص)، پیامبر اکرم (ص)، هنگامی که لشکری گسیل

می‌داشت، افراد مطمئنی همراه فرمانده می‌فرستاد تا کارهای او را زیر نظر داشته باشند و به پیامبر (ص) گزارش دهند (حویزی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۳۱۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۴۴).

تجسس در امور اجتماعی یا به عبارت دیگر «بازرسی» و «نظارت»، بنا بر دلیل عقلی و برخی روایات، جایز و حتی در مواردی واجب است. زیرا چنانچه مبنای حکومت و قدرت حاکمان خدا بدانیم و یا اینکه جامعه و قرارداد اجتماعی، وظیفه حاکم اسلامی، محافظت از مردم خود در برابر حوادث و آسیب‌هایی است که ممکن است جان و مال آن‌ها را به مخاطره بیندازد و باعث به هم زدن نظم و امنیت اجتماعی شود. بنابراین، حاکم اسلامی باید بر همه ادارات و سازمان‌ها اجتماعی نظارت نماید و مواظب و مراقب باشد که این دستگاه‌ها با کم‌کاری و فساد اداری حقوق مردم و امنیت اجتماعی را ضایع نکند. بنابراین، بازرسی و نظارت بر کار آن‌ها واجب و ضروری است. حضرت علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر نخعی، دستور داده است که فقط به گزینش دولتمردان صالح اکتفا نکند، بلکه با کمک مأموران مخفی، اعمال آنان را نیز زیر نظر بگیرد (سبحانی، ۱۳۶۷، ص ۶۴۲).

برای گزینش مسئولان و کارگزاران دولتی نیاز به شناخت دقیقی از نظر تعهد، تعبد و میزان توانمندی آنان است و برای کسب این شناخت، تفحص و تجسس از آنان لازم است.

یکی از وظایف حکومت اسلامی این است که حاکم آن، برای انجام وظایف خود باید از نیازها، درخواست‌ها، شکایت‌های، آرا و نظرات مردم اطلاع داشته باشد و لازمه اطلاع از مردم تفحص و تجسس از سوی حاکم در امورات آنان است و از این جهت در احادیث و سیره نبوی بر آن تأکید شده است. در ابتدای پیدایش اسلام افرادی رابط بین دستگاه حاکم و مردم بودند که به عنوان «نقیب» و «عریف» از آنان نام برده شده است. به استناد اخبار وارده در بعضی از منابع معتبر، پیامبر (ص) دوازده نقیب از بین افراد برای کسب اطلاعات از مردم در مدینه انتخاب نموده بود تا بدین طریق از امور مردم اطلاع حاصل نماید. از پیامبر اسلام (ص) حدیثی نقل شده، که به یاران و کارگزارانش فرموده است: «خواستہ کسی را که نمی‌تواند خواسته‌اش را به من برساند، به من برسانید» و نیز در احادیث آمده است که ایشان جویای حال یاران خود بوده و از مردم درباره امورشان سؤال می‌نمود. امیرمؤمنان علی (ع) نیز در عهدنامه‌ی مالک اشتر از او خواست که از حال کسانی که به وی دسترسی ندارند، جویا باشد (همان: ص ۵).

نکته‌ی مهمی که نباید فراموش کرد این است که به هنگام تجسس در امور اجتماعی توسط نیروهای اطلاعاتی، اصحاب رسانه و خبرگزاران دولتی، نباید حریم خصوصی افراد شکسته شود و به بهانه تجسس، در کار و فعالیت‌های شغلی و اجتماعی افراد، دخالت نموده و آن را مورد تحقیق و تفحص قرار دهند، چرا که حریم شخصی و خانوادگی کارکنان و مسئولان دولتی و همه کسانی که در ادارات و ارگان‌های اجتماعی مشغول به کار هستند، فردی است و به شأن اجتماعی آن‌ها مربوط نیست و ورود به آن جایز نیست.

۲-۷ تجسس در امور دشمنان

یکی دیگر از انواع «تجسس‌ها»، تجسس در مورد دشمنان است؛ در این نوع تجسس معمولاً از طریق نیروهای اطلاعاتی و امنیتی، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات و اخباری در مورد دشمنان و مخالفین حکومت شده و مجموعه‌ی

فعالیت‌های آنان مورد تفحص قرار می‌گیرد تا بدین طریق از فعالیت‌ها، نقشه‌ها و طرح‌های عملیاتی آنان اطلاع یافته و چنانچه دشمن قصد تعرض، تحریک و اغتشاش در درون مملکت داشته باشد، شناسائی و در زمان مناسب به تحرکات آنان پاسخ لازم داده شود و اهداف و نقشه آن‌ها خنثی گردد. این نوع تجسس، اموری همانند استراق سمع، تحت نظر قرار دادن جاسوسان، کنترل رفت و آمد گروه و افراد مشکوک، کنترل ملاقات‌های مشکوک و... را شامل می‌شود.

فقها در بیان مسائل جنگ یکی از مستحبات و وظایف امیر لشکر اسلام را فرستادن طلایع و تجسس از اخبار کفار دانسته‌اند (حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۱۰).

۲-۷-۱ حکم فقهی تجسس در امور دشمنان

این نوع تجسس جایز است و هیچ شکی در مورد جواز آن نیست، چرا که جنگ مورد خاصی است که دارای اخلاق خاص خود بوده و بسیاری از کارها، مانند دروغ، خدعه، فریب، قتل در شرایط عادی در مورد سایر افراد که دشمنی با ما ندارند، فعلی غیراخلاقی و حرام است، اما این افعال در مورد دشمنان به هنگام جنگ جایز است. آیه ۶ سوره حجرات می‌فرماید: «إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنُأْفَتِينُوا؛ هرگاه انسان فاسقی برای شما خبری آورد، پس در آن تتبع کنید». ظاهر آیه این است که انسان از اعتماد کردن بدون تحقیق در مورد خبر کسی که فاسق است نهی شده است و لذا در مقام عمل، در مورد خبری که داده شده باید تحقیق و تفحص کند. فقها در بیان مسائل جنگ یکی از مستحبات و وظایف امیر لشکر اسلام را فرستادن طلایع و تجسس از اخبار کفار دانسته‌اند (حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۱۰).

جاسوسی کردن علیه کفار، به نفع مسلمانان جایز است و بنابر تصریح برخی، جاسوس از غنایم نیز سهم می‌برد (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۲۱، ص ۲۰۱).

مجازات جاسوسانی که به اسارت درمی‌آمدند، عمدتاً قتل به شیوه‌های مختلف و گاه زجرآور بود (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۹۳)، اما گاهی نیز به جاسوس، پس از اسارت، صلح و مقرری بیشتری می‌دادند تا ضمن استفاده از اطلاعاتش، وی را به جاسوسی و خبرگیری برای خویش بگمارند (طبری، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۱۳).

در صدر اسلام نیز مصادیق متعددی از تجسس در سیره جنگی رسول اکرم (ص) اتفاق افتاده است. حضرت علی (ع) نقل می‌کنند که پیامبر به ایشان و زبیر و مقداد امر فرمودند به مکانی بروند که در آن مکان زنی در کجاوه هست که نامه‌ای همراه خود دارد و نامه را از او بستانند. حضرت می‌فرماید ما حرکت کردیم و به آنجا رسیدیم و زنی را در کجاوه دیدیم، به او گفتیم نامه‌ای را که همراه داری به ما بده. زن گفت نامه‌ای ندارم. حضرت می‌فرماید: من گفتم یا نامه را می‌دهی یا تو را می‌گردیم؟ زن نامه را از لای گیسوان خود بیرون آورد. آن نامه را نزد پیامبر (ص) آورده و به او دادیم. آن نامه‌ای بود از حاطب بن ابی بلتعنه به گروهی از مشرکان که در آن اطلاعاتی درباره پیامبر به آن‌ها داده بود (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۷۳۴).

از دیگر موارد امر پیامبر به تجسس، فرستادن عبدالله بن ابی حدرد برای تجسس در جریان قتل رفاعه بن قیس جشمی؛ فرستادن سعید بن زید به معرین و فرستادن عاصم بن ثابت به مکه (احمدی میانجی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۹) و موارد متعدد دیگر را می‌توان نام برد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۷۳۴؛ رحمان ستایش، ۱۳۷۹، ص ۳).

فقیهانی که به فقه سیاسی اسلام پرداخته‌اند، برای جواز یا وجوب تجسس در این موارد، به آیات و احادیث و به‌ویژه به سیره پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) استناد کرده‌اند. از آنجا که حفظ نظام جامعه اسلامی در برابر تهدید انتظامی دشمنان از مهم‌ترین مصالح به‌شمار می‌رود، در جواز و ضرورت تجسس از نقشه‌ها و توانایی‌های بیگانگان تردید نشده است. ادله‌ای مانند آیه دوازدهم سوره حجرات - که از تجسس نهی کرده - ناظر به روابط مسلمانان با یکدیگر است و تجسس در امور غیرمسلمانانی که با مسلمانان رابطه خصمانه دارند (کفار حربی)، مشمول آن نیست. به‌علاوه، آیاتی مانند آیه ۶۰ سوره انفال که مؤمنان را به تجهیز نظامی در برابر دشمنان خدا فرمان داده، خود از بهترین ادله وجوب تجسس است.

۲-۷-۲ تجسس در سیره جنگی پیامبر (ص)

مصادیقی از تجسس در سیره رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) نیز وجود دارد از جمله فرستادن عبدالله بن جحش همراه با هشت تن از مهاجران برای کسب اطلاعات در باره دشمن، پیش از جنگ بدر (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۹؛ ابن هشام، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۵۲)، گسیل داشتن افرادی به بدر برای تجسس از قافله قریش، ده شب پیش از حرکت لشکر اسلام (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۹)، فرستادن علی (ع) و زبیر بن عوام و شماری دیگر به اطراف چاه‌های بدر برای کسب اخبار و نیز گردآوری خبر برای پیامبر در این جنگ (ابن هشام، ۱۴۲۱، ج ۲، صص ۲۶۷-۲۶۸)، فرستادن بسیسه (یا بسبسه) به منطقه بدر برای تجسس از کاروان ابوسفیان (کتانی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۶۰)، فرستادن آنس و مؤنس، فرزندان فضاله، در جنگ احد برای تفتیش از لشکر قریش (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۰۶) باقی ماندن عباس بن عبدالمطلب در مکه به درخواست رسول اکرم برای آگاه ساختن ایشان از اخبار قریش (ابن سعد، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۵؛ کتانی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۶۳). فرستادن نعیم بن مسعود و برخی دیگر برای تجسس از وضع بنی قریظه در جنگ خندق (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۶۰؛ ابن هشام، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۴۰)، گسیل داشتن بریده بن حصیب اسلمی برای گردآوری اخبار از دشمن در جنگ با بنی مصطلق (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۰۴) و فرستادن جاسوسانی به میان قریش در ماجرای حدیبیه و فرستادن عبدالله بن ابی حدرد اسلمی به میان قریش در غزوه حنین (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۸۹۳؛ کتانی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۶۲). در شرح حال شماری از یاران پیامبر، جاسوسی آنان برای رسول اکرم ذکر شده است (کتانی، ۱۴۱۳، ج ۱، صص ۳۶۱-۳۶۳).

بنا بر روایات، آن حضرت به فرماندهان نظامی توصیه می‌کردند که ابتدا جاسوسان (عیون) را گسیل کنند (حویزی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۶۵۲؛ ابن سعد، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۹۰).

ضرورت شناسایی دشمنان اختصاص به زمان جنگ ندارد، بلکه با استناد به آیات و احادیث در زمان صلح نیز این تجسس مطلوب و حتی ضروری است. گذشته از دلیل عقلی، دلایل شرعی متعددی نیز در جواز این نوع تجسس وجود دارد. علاوه بر ادله عام وجوب حفظ نظام، ادله خاصی نیز در این خصوص وجود دارد، از جمله آیه‌ی چهارم

سوره‌ی منافقون که پیامبر را از منافقان برحذر داشته است. در شأن نزول این آیه گفته‌اند که زید بن ارقم از عبدالله بن اُبی، سرکرده منافقان مدینه شنید که وی قصد دارد پس از ورود به مدینه، پیامبر (ص) را از آنجا بیرون کند، از این رو، زید به پیامبر خبر داد و حضرت در حق وی دعا کرد (طبرسی، مجمع‌البیان، ذیل سوره منافقون، آیات ۶-۱۱). از موارد مهم جواز یا لزوم تجسس، گردآوردن اطلاعات کافی در باره مخالفان نظام اسلامی، از قبیل منافقان و جاسوسان و گروه‌های مخفی است تا از نظام در برابر آنان محافظت شود. بعد از جنگ صفین و جدا شدن خیریت بن راشد ناجی و یارانش از حضرت علی (ع) و پراکنده شدن آنان در شهرها، حضرت به کارگزاران خود دستور داد که در هر ناحیه جاسوسانی برای آنان بگمارند و اخبار ایشان را به حضرت گزارش دهند (تقی، ۱۳۵۴، ج ۱، صص ۳۳۲-۳۳۸).

در پاره‌ای موارد امیرالمؤمنین به کارگزارانش امر کرده است که در مورد اشخاص منافق و مشکوک، شدت عمل داشته باشند، از جمله در عهدنامه حدیفه بن یمان حاکم مداین (محمودی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۲۸) و در عهدنامه قیس بن سعد انصاری کارگزار مصر (تقی، ۱۳۵۴، ج ۱، ص ۲۰۸؛ محمودی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۲۸). در برخی موارد، حضرت علی (ع) شخصاً اطلاعاتی درباره اشخاص مشکوک و منافق فراهم می‌آوردند و به پیامبر اکرم می‌رساندند (عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۹۹).

بنا بر متون اسلامی، با کسانی که در جامعه اسلامی به سود بیگانگان جاسوسی می‌کنند، باید با شدت رفتار شود (سبحانی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۵۵۶). برای نمونه، معاویه بعد از شهادت حضرت علی (ع)، دو نفر را به جاسوسی در کوفه و بصره گماشت؛ امام حسن از ماجرا آگاه شد و بی‌درنگ فرمان داد هر دو را دستگیر و اعدام کنند، سپس به معاویه نامه نوشت و او را به سبب کار زشت گماشتن جاسوس نکوهید (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۰۳، ص ۳۳). از دیدگاه فقهی، اگر کافر ذمی برای دشمن جاسوسی کند، پیمان ذمه شکسته می‌شود (حلی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۲۹). حتی بسیاری از فقها چنین جاسوسی را مستحق کیفر اعدام دانسته‌اند، اما برخی شافعیان بر آنند که پیمان ذمه با جاسوسی کردن کافر ذمی نقض نمی‌شود (قلعه‌جی، ۱۴۲۱، ج ۱۰، ص ۱۶۶).

از مهم‌ترین وظایف حکومت، اطلاع یافتن از کارکرد مسئولان و کارگزاران حکومتی و نظارت بر آنان است تا درباره انجام یافتن وظایف واگذار شده اطمینان حاصل شود، از ظلم و فساد اداری پیشگیری گردد و عدالت اجتماعی تحقق یابد. بنا بر حدیثی از امام رضا (ع)، پیامبر اکرم (ص) هنگامی که لشکری گسیل می‌داشت، همراه فرمانده افراد مطمئن می‌فرستاد تا در کارهای او تجسس کنند (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۳۴۲).

گزینش مسئولان و کارگزاران حکومتی نیز نیازمند شناخت دقیق آنان، از نظر تعهد و ایمان و مسئولیت‌پذیری و تخصص است و به دست آوردن این شناخت، به بررسی و تجسس نیاز دارد. در نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر، شرایط انتخاب عاملان و مقامات حکومتی ذکر شده است. حاکم اسلامی برای انجام دادن وظایف خود باید از افکار و آرا و نیازها و درخواست‌ها و شکایت‌های مردم آگاه باشد و این آگاهی مستلزم نوعی تجسس از جانب حاکم نسبت به امور مذکور است. علاوه بر آنکه مصالح نظام اسلامی این‌گونه تجسس را اقتضا می‌کند، احادیث و سیره نبوی و علوی نیز بر آن تأکید دارد در صدر اسلام اشخاصی به‌عنوان «نقیب» و «عریف» واسطه میان دستگاه حاکم و مردم بودند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۷۶۹).

از مصادیق تجسس حرام، استماع مکالمات غیرعلنی اشخاص است که مشمول حکم آیه دوازدهم سوره حجرات و احادیث مربوط به آن می‌گردد. در حدیث، کسی که به‌رغم خواست افراد به گفتگوی آنان گوش دهد نکوهش شده و جزایش در روز قیامت، ریختن سرب گداخته در گوش وی ذکر گردیده است (حویزی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۹۳). هر چند در زمینه اسرار شخصی و مسائل خانوادگی اصل بر حرمت تجسس است، هنگامی که پای مصالح اجتماعی و حفظ امنیت جامعه به میان می‌آید، از تجسس و تفتیش‌گری نیست، زیرا دولت اسلامی ناگزیر باید از وضع دشمنان خارجی و فعالیت‌های آنان و نیز فعالیت‌های معارضان داخلی اطلاعات کافی کسب کند و به‌علاوه، بر فعالیت‌های کارگزاران و کارمندان خود نظارت نماید و از نیازها و مشکلات توده مردم نیز آگاه باشد. بدین ترتیب، در مواردی تجسس جایز و حتی واجب می‌شود.

۳- حکم فقهای اهل سنت درباره تجسس

فقهای اهل سنت، به‌غیر از احمد بن حنبل به موجب برخی اقوال وی، تجسس از منکرات مخفی را جایز ندانسته ولی تصریح کرده‌اند که اگر حاکم از راه خبر ثقه یا راهی دیگر مطلع شود که عدم تجسس ممکن است موجب هتک حرمت گردد، می‌تواند تجسس کند (قلعه‌جی، ۱۴۲۱ ج ۱۰، ص ۱۶۲). در منابع حدیثی اهل سنت مواردی از تفتیش‌های عمر بن خطاب از منازل مردم نقل شده که اعتراض صاحبان خانه‌ها وی را از ادامه آن کار باز داشته است (ماوردی، بی‌تا، ص ۴۰۶).

نتیجه‌گیری

در طول تاریخ بشر همواره بین گروه‌های مختلف جنگ و درگیری وجود داشته است و انسان برای غلبه بر دشمن از شیوه‌های مختلف استفاده کرده و همواره دست به ابداع شیوه‌های جدید زده است و سعی در یافتن ابزارهایی جدید برای استفاده از آن شیوه‌ها بوده است. یکی از روش‌های غلبه و تسلط بر دشمن که کارآیی و تأثیر آن به مراتب از جنگ‌های نظامی و فیزیکی بالاتر است، عملیات روانی می‌باشد. این شیوه در طول تاریخ به‌عنوان ابزاری در خدمت جنگ بوده و بدان توجه شده است. از جمله مصادیق این عملیات که از دیرباز و نیز در صدر اسلام در سیره جنگی رسول اکرم (ص) اتفاق افتاده و در حال حاضر نیز کاربرد اساسی دارد، «جاسوسی» است. جاسوسی از منظر فقهی دارای آثار و احکامی است و از مجموع آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که حکم حرمت جاسوسی و تجسس دارای حد و مرز خاصی بوده و بر تمام مصادیق آن نمی‌توان حکم حرمت را حمل کرد. از دیدگاه اسلام امر تجسس از جمله موارد حساسی است که در برخی امور انجام آن حرام و در مواردی هم واجب است. تجسس در امور شخصی افراد، ممنوع و حرام است، اما در مورد چگونگی عملکرد کارکنان دولت و رسیدگی به شکایات مردم و مواظبت از پایداری حقوق آنان توسط کارگزاران دولتی لازم و ضروری است این امر در حقیقت جاسوسی نیست، بلکه بازرسی و مراقبت است، از این‌رو، نه تنها جایز، بلکه بنابر دلایلی چون وجوب حفظ عدالت و احقاق حق مردم، وظیفه حاکم بوده و واجب است. همچنین جاسوسی در امور دشمن خارجی و داخلی، به حکم

عقل و شرع، واجب و ضروری است. ائمه و پیشوایان دین تجسس در احوال شخصی افراد را به شدت نهی کرده‌اند اما شواهد تاریخی نشان می‌دهد که پیامبر (ص) و امیرالمومنین (ع) در جنگ‌ها و سایر امورات خود از جاسوسان ورزیده به منظور تحقیق و بررسی وضع دشمن یا کارگزاران استفاده می‌نمودند.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آذرنوش، آذرتاش، ۱۳۸۶، فرهنگ معاصر، تهران، انتشارات نی.
- ۳- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ ه.ق، تفسیرالعظیم، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ۴- ابن اثیر، ۱۳۷۱، الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ۵- ابن براج، قاضی سعدالدین ابوالقاسم عبدالعزیز بن نحریر بن براج طرابلسی، ۱۴۱۱ ه.ق، جواهر الفقه، قم، نشر اسلامی.
- ۶- ابن حنبل، ۱۴۱۶ ه.ق، مسندالامام احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر.
- ۷- ابن سعد، ابو عبدالله محمد بن سعد بن منیع، ۱۴۰۳ ه.ق، الطبقات الکبری، بیروت.
- ۸- ابن منظور الانصاری، محمد بن مکرم بن علی ابوالفضل، ۱۴۱۴ ه.ق، لسان العرب، بیروت، دارصادر.
- ۹- ابن هشام، عبدالملک، ۱۴۲۱ ه.ق، سیره ابن هشام، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۱۰- ابوداؤد، سلیمان بن اشعث ابوداؤد، ۱۴۰۱ ه.ق، سنن ابوداؤد، بیروت، دارالفکر.
- ۱۱- احمدی میانجی، علی، ۱۴۱۱ ه.ق، الاسیر فی الاسلام، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۱۲- احمدی میانجی، علی، ۱۴۱۹ ه.ق، مکاتیب الرسول، قم، دارالحدیث.
- ۱۳- انیس ابراهیم، صوالحی عطیه، ۱۴۰۸ ه.ق، المعجم الوسیط، تهران، مکتبه نشر الثقافه الاسلامیه.
- ۱۴- بگدلی، علی و علی اکبری بابوکانی، احسان، ۱۳۹۶، بررسی فقهی و حقوقی ورود دولت به حریم خصوصی، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ششم، شماره سیزدهم، صص ۹-۳۱.
- ۱۵- بیابان نورد، علیرضا، ۱۳۸۴، بررسی تطبیقی عملیات روانی ایالات متحده در دو کشور افغانستان و عراق، فصلنامه عملیات روانی، سال سوم، شماره ۱۱.
- ۱۶- تقفی، ابراهیم بن محمد، ۱۳۵۴، الغارات، تهران، چاپ ارموی.
- ۱۷- جنیدی، رضا، ۱۳۸۹، تکنیک‌های عملیات روانی و شیوه‌های مقابله، مشهد، انتشارات به‌نشر آستان قدس رضوی.
- ۱۸- حائری تهرانی، میرسیدعلی، ۱۳۷۷، مقتنیات الدرر و مقتنیات الثمر، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۹- حرانی، ابن شعبه، ۱۳۶۳، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، قم، چاپ غفاری.
- ۲۰- حرّ عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ ه.ق، وسائل الشیععه، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- ۲۱- حلی، ابن ادریس، ۱۴۱۰ ه.ق، السرائر، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۲۲- حلی، ابن ادریس، ۱۴۱۵ ه.ق، قواعد الاحکام، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۲۳- حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ ه.ق، قرب الاسناد، قم، آل‌البیت.
- ۲۴- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۳۸۳، نورالتقلین، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، قم، نشر اسماعیلیان.
- ۲۵- ذوالفقاری، مهدی، ۱۳۹۲، عملیات روانی، جنگ اطلاعاتی و فریب استراتژیک، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- ۲۶- رحمان ستایش، محمد کاظم، ۱۳۷۹، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائره‌المعارف اسلامی.

- ۲۷- زحیلی، وهبه بن مصطفى، ۱۴۱۸ ه.ق، التفسیرالمنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، بیروت، دارالفکر.
- ۲۸- سبجانی، جعفر، ۱۳۶۸، فروغ ابدیت، قم، انتشارات توحید.
- ۲۹- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، ۱۴۱۶ ه.ق، بحرالعلوم، بیروت، دارالفکر.
- ۳۰- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۱۴ ه.ق، الدر المثور فی تفسیر المأثور، بیروت، دارالفکر.
- ۳۱- شربینی، محمد بن احمد، ۱۹۵۸م، مغنی المحتاج، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۳۲- شروانی، عبدالحمید و عبادی، ابن قاسم، بی تا، حواشی الشروانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۳۳- طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۰۲ ه.ق، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم، مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین.
- ۳۴- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۶ ه.ق، مجمع البیان، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- ۳۵- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۷۸ ه.ق، تاریخ الطبری، بیروت، دارالتراث.
- ۳۶- طبری، ابن جریر، ۱۴۱۵ ه.ق، جامع البیان، بیروت، مطبعه دارالفکر.
- ۳۷- طریحی، فخرالدین، ۱۳۶۵، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، مکتبه المرتضوی.
- ۳۸- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، ۱۴۰۶ ه.ق، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۹- فیض الاسلام، علینقی، ۱۳۷۹، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام.
- ۴۰- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ ه.ق، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر.
- ۴۱- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۴۰۵ ه.ق، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۴۲- قلعه جی، محمد رواس، ۱۴۲۱ ه.ق، الموسوعه الفقہیہ المیسره، کویت.
- ۴۳- کاظمی، جواد بن سعید بن علی، ۱۳۶۵، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، تهران، نشر مرتضوی.
- ۴۴- کنانی، محمد عبدالحی بن عبدکبیر، ۱۴۱۳ ه.ق، نظام الحکومه، بیروت، دارالارقم.
- ۴۵- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ه.ق، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۶- مارودی، العلامه أبوالحسن علی بن محمد، بی تا، الحاوی الکبیر، بیروت، دارالنشر.
- ۴۷- متفکر، حسین، ۱۳۸۳، جنگ روانی، تهران، پژوهشکده تحقیقات نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- ۴۸- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ه.ق، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء،
- ۴۹- محقق، محمدباقر، ۱۳۶۴، دائر الفوائد در فرهنگ قرآن، تهران، انتشارات بعثت.
- ۵۰- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۴، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث،
- ۵۱- محمودی، محمد باقر، ۱۳۸۷ ه.ق، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، بیروت، مؤسسه المحمودی.
- ۵۲- معین، محمد، ۱۳۸۳، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات بهزاد.
- ۵۳- مقریزی، ۱۴۲۰ ه.ق، امتاع الاسماع، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۵۴- موسوی بجنوردی، سیدمحمد، ۱۳۸۹، درباره جاسوسی و خیانت به کشور، مجله آیین، شماره ۳۰ و ۳۱، صص ۱۸-۲۲.
- ۵۵- میرعلی، محسن، یحیی و محمد مهدی، ۱۳۹۶، بررسی جاسوسی از منظر فقه امامیه، اولین کنفرانس پژوهش در فقه، حقوق و علوم اسلامی.
- ۵۶- نجفی، محمدحسن، ۱۴۰۰ ه.ق، جواهرالکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

- ۵۷- نصر، صلاح، ۱۳۹۳، جنگ روانی، ترجمه محمود حقیقت، تهران، انتشارات سروش.
- ۵۸- نیشابوری، مسلم بن الحجاج، ۱۹۸۰م، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر.
- ۵۹- واقدی، محمد بن عمر واقدی، ۱۴۰۹ ه.ق، المغازی، تحقیق مارسل جونز، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۶۰- یوسف موسی، حسین و الصعیدی عبدالفتاح، ۱۴۱۰ ه.ق، الافصاح فی فقه اللغه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- ۶۱- هانی، احمد، ۱۹۷۴ ه.ق، الجاسوسیة بین الوقایه و العلاج، قاهره، الشركه المنجده للنشر و التوزیع.
- ۶۲- قلقشندی، ابوالعباس احمد، ۱۳۳۴ ه.ق، صحیح الاعشی فی صناعه النشاء، قاهره، دارالکتاب السلطانیة.

Sources and references

- 1- The Holy Quran.
- 2- Azarnoosh, Azartah, 2007, Contemporary Culture, Tehran, Ney Publicati-2
- 3- Ibn Abyahmat, Abdul Rahman bin Muhammad, 1419 AH, Mu'tazir al-Azim, Saudi Arabia, Maktobe Nazar Mostafa al-Baz.
- 4- Ibn Atirr, 1371, Elkamel, translation of Abolghasem Mast and Abbas Khalili, Tehran, Scientific Press Institute.
- 5- Ibn Baraj, Judge Sa'd al-Din Abolqasem Abdul Aziz ibn Muhajir ibn Brajg Trabally, 1411 AH, Jahar al-Fiqq, Qom, Islamic publication.
- 6- Ibn Hanbal, 1416 AH, Mehndalamam Ahmad ibn Hanbal, Beirut, Exported.
- 7- Ibn Sade, Abu Abdullah Muhammad ibn Saad ibn Maniyah, 1403 AH, Al-Tabaqat al-Kabiri, Beirut.
- 8- Ibn Manzuran Ansari, Mohammad bin Muhammad bin Ali Abolfazl, 1414 AH, Lissan al-Arab, Beirut, Dasadar.
- 9- Ibn Hisham, Abdul Malik, 1421 AH, S ra Ibn Hisham, Beirut, Dar al-Kotb al-Ummah.
- 10- Abu Dawood, Suleiman Bin Ashatha Abu Dawood, 1401 AH, Sanaan Abu Dawood, Beirut, Dar al-Fakr.
- 11- Ahmadi Mediye, Ali, 1411 AH, Alasir Fiasalam, Qom, Al-Nasr al-Islami Institute.
- 12- Ahmadi Mediji, Ali, 1419 AH, Makatib Al-Rasul, Qom, Dar al-Hadith.
- 13- Anis Ibrahim, Souali Atiyah, 1408 AH, Al-Mu'ayim al-Wassit, Tehran, Al-Tasqafi al-Islamiyah publishing house.
- 14- Bagdali, Ali and Ali Akbari Babokani, Ehsan, 1396, Legal and Legal Study of Government Entry into Privacy, Two Journal of Human Rights Studies, Sixth Year, No. 13-9, pp. 9-31.
- 15- Norad Desert, Alireza, 2005, Comparative Study of US PSYOP in Afghanistan and Iraq, Quarterly Journal of PSYOP, Third Year, No. 11.
- 16- Takfafi, Ibrahim bin Muhammad, 1354, Al-Gharat, Tehran, Printing of the Armohi.
- 17- Janeidi, Reza, 2010, Psychological Operations Techniques and Coping Methods, Mashhad, Behnesar Publishing Astan Quds Razavi.
- 18- Haeri Tehrani, Mirsid Ali, 1998, Multanid al-Derr and Moghtaniat al-Tharm, Tehran, Dar al-Kabul al-Islam.
- 19- Harandi, Ibn Shub , 1363, Towafal-equl Al-Al-Rasul, Saliallah Ali, Qom, Ghafari Printing.
- 20- Hagh Amali, Mohammad bin Hassan, 1409 AH, Wasejal al-Shi'a, Qom, Allalit Institute.
- 21- Helli, Ibnadriss, 1410 AH, Al-Seraer, Qom, Al-Nasir Al-Islam.
- 22- Helli, Ibn Idriss, 1415 AH, Rules of Allah, Qom, Al-Nasir Al-Islam.
- 23- Homiri, Abdullah bin Ja'far, 1413 AH, Qarab al-Nasad, Qom, Albalt.
- 24- Hawizi, Abdol-i-i-Bin Juma, 1383, Noor-al-Aqla'in, Translation by Hashem Rasouli Mahallati, Qom, Ismaili Publishing.

- 25–Zolfaghari, Mehdi, 1392, Psychological Operations, Information Warfare and Strategic Deception, Tehran, Imam Sadiq University Press.
- 26–Rahman Passoyed, Mohammad Kazem, 2000, Encyclopedia of the Islamic World, Tehran, Islamic Encyclopedia.
- 27–Zahili, Wahba bin Mostafa, 1418 AH, Alfsir al-Munir al-iqiyada and al-Sharia and al-Mathana, Beirut, Dar al-Fakr.
- 28–Sobhani, Jafar, 1989, Forough Ebadit, Qom, Tohid Publishing.
- 29–Samarghandi, Nasrbin Mohammad ibn Ahmad, 1416 AH, Bahr al-ulum, Beirut, Dar al-Fakr.
- 30–Siouti, Jalaluddin, 1414 AH, Al-Dare al-Mansour, Fayt al-Tamar, Beirut, Dar al-Fakr.
- 31–Sherbini, Mohammad bin Ahmad, 1958, Munchi al-Muhtaj, Beirut, Darjeja al-Taras al-Arabi.
- 32– Sharwani, Abdul Hamid and Ebadi, Ibn Qassem, Beata, Havashi al-Shurvani, Beirut, Darjeja al-Taras al-Arabi.
- 33–Tabatabai, Mohammad Hussein, 1402 AH, Al-Mizan Fatehsari Al-Quran, Qom, Islamic Society for the Publishing of Community Teachers.
- 34–Tabarsei, Fazl ibn Hassan, 1406 AH, Assembly of Al-Bayan, Beirut, Islamic Institute.
- 35–Tabari, Mohammad bin Jarir, 1999, AH, History of Al-Tabi, Beirut, Dar al-Rahat.
- 36–Tabari, Ibn Jarir, 1415 AH, Jamea al-Bayan, Beirut, Mbaaa Daralfkar.
- 37–Tarehi, Fakhredin, 1365, Assembly of the Hurrin, Research of Seyyed Ahmad Hosseini, Tehran, Maktabeh al-Martazavi.
- 38–Tusi, Abu Jafar Mohammad ibn-al-Hassan, 1406 AH, Tahzib al-Ahakam, Tehran, Islamic Elementary School.
- 39–Feyz al-Islam, Aliinaghi, 2000, translation and publication of Nahj al-Balaghah, Tehran, publishing of Faizul Islam.
- 40–Feyz Kashani, Malah-Hassan, 1415 AH, Textures of Al-Safi, Tehran, Al-Sadr Publications.
- 41– Qartabi, Mohammed bin Ahmad, 1405 AH, al-Jumah al-Quran, Beirut, Darahi'a al-'at al-Arabi.
- 42–Qalajee, Mohammad Rawas, 1421 AH, Al-Musawa al-Fiqahi al-Maysera, Kuwait.
- 43–Kazemi, Jawad ibn Sa'id ibn Ali, 1365, Masalak al-Abaham al-Ayat al-Ahqam, Tehran, Mortazavi publication.
- 44– Linen, Mohammad Abdolahi ibn Abdul Kabir, 1413 AH, Al-Hakmeh system, Beirut, Dar al-Farma.
- 45–Kelini, Abu Jafar Mohammad ibn Yaghub, 1407 AH, Al-Kafi, Tehran, Dar al-Kabul al-Islam.
- 46–Marudi, Al-Alameh Abul Hasan Ali ibn Muhammad, Beita, Al-Hawi al-Kabir, Beirut, Daral-Nashr.
- 47–Motakkar, Hossein, 2004, Psychological War, Tehran, Investigating the Representation of the Wali Faqih in the IRGC.
- 48–Majlisi, Mohammad Bagher, 1403 AH, Baharalanvar, Beirut, Al-Wafa Institute,
- 49–Researcher, Mohammad Bagher, 1364, Daer al-Fawaed in the Qur'anic Culture, Tehran, Be'sat Publishing.
- 50–Mohammadi Ray Shahri, Mohammad, 2005, Al-Hikmah, translation of Hamid Reza Sheikhi, Qom, Dar al-Hadith,
- 51–Mahmoudi, Mohammad Bagher, 2008 AD, Nahj al-Saadi Phi Mastdrek Nahj al-Balaghah, Beirut, Al-Mahmoudi Institute.
- 52–Moin, Mohammad, 2004, Farsi Culture, Tehran, Behzad Publishing House.
- 53–Maghrez , 1420 AH, Umtah al-Asmah, Beirut, Dar al-Kabul-ulmiyeh.
- 54–Mousavi Bojnourdi, Seyyed Mohammad, 2010, About Spying and betrayal of the country, Ayatollah Journal, Nos. 30 and 31, pp. 18-22.
- 55–Mir Ali, Mohsen, Yahya and Mohammad Mehdi, 1396, Investigation of spying from the perspective of Imamiyah jurisprudence, The first research conference on jurisprudence, law and Islamic sciences.
- 56–Najafi, Mohammad Hassan, 1400 AH., Jaharahalkam, Tehran, Darolkab al-Islam.
- 57–Nasr, Salah, 1393, Psychological War, Translation by Mahmoud Haghghat, Tehran, Soroush Publication.

- 58– Neyshaburi, Moslembn al-Hajjaj, 1980, Sahih Muslim, Beirut, Dar al-Fakr.
- 59–Veddi, Mohammad bin Omar Derajdi, 1409 AH, Al-Maghazi, research by Marcel Jones, Beirut, Al-A'lamy Institute for Media.
- 60–Yusuf Musa, Hussein and Al-Sa'idi Abdolfattah, 1410 AH, Olafsaha Fi Fagh al-lagha, Qom, Islamic Propaganda Office of the Seminary.
- 61– Honey, Ahmed, 1974 HH, Al-Jassusiyeh Bet al-Wakaye and Allahaj, Cairo, Al-Shark Alman
- 62– Qulakhshandi, Abu al-Abbas Ahmad, 1334 AH, Sabah al-A'ashi fi Sina'ah al-Nashahah, Cairo, Dar al-Kabul al-Sultaniyah
- .